

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی  
۲۵ جون ۲۰۰۹

## از پشت پرده کمدی انتخابات "سی.ای.ای." چشمک می زند!

شام چهارشنبه ۲۴ جون تصادفاً برنامه "مباحث انتخاباتی" در تلویزیون آریانا که از کابل پخش می شود نظرم را به خود جلب نمود. اوقات کار من طور است که برای تعقیب منظم برنامه های تلویزیون های افغانی نمی توانم خود را عیار نمایم. البته این بدان معنی نیست که از فرط علاقه مندی ابراز تأسف می نمایم بلکه چون یگانه تلویزیون افغانی داخل کشور است که من به آن دسترسی دارم ، اطلاع حتی المقدور از اوضاع وطن ارزش خود را دارد. همواره جسته و گریخته گاه گوشه ای از یک خبر ویا هم ندرتاً چند لحظه موسیقی اصیل قابل شنیدن گیرم می آید که یا از آغاز برای من ناتمام می ماند ویا هم از آخر. ولی به هر حال ، صحبت بر سر اوقات پخش برنامه ها و یا هم کیفیت آنها نیست بلکه هدف این نوشتار پدیده شومی است که شخصاً همین امشب به آن ملتفت شدم و غم و تأثیری را که در شامگاه اشغال نظامی کشور آریانا ما توسط قشون اشغالگروس احساس نموده بودم ، دوباره در ذهنم زنده شد و به همان اندازه مایه رنج و اندوه من شده است.

آری! قدرت استعماری و خونریز امریکائی دیده در آئی را تا آن حدی بالا برده است که مستقیماً نمایندگی بدنام استخباراتی خود (سی.ای.ای.) را در پرده تلویزیون افغان ها!! به سان اعلان تجارتي به دید همگان می رساند. باور کنید تا همین لحظه در ناباوری قرار دارم. فکرمی کنم من اشتباه دیده ام. آیا این بار اول بود که استعماری آرم چنین آزادانه باشندگان کشور مستعمره را به تمسخر می گیرد؟ یا شاید هم من تاحال متوجه چنان فعالیت ها نشده بودم؟ ولی آنچه جداً سؤال برانگیز است ، متنی ست که در آن اعلان غیر مترقبه «سیا» بر پرده تلویزیون ظاهر شد. بلی! دروقفه ای کوتاه «مناظره» دو کاندید انتخابات ریاست جمهوری : آقایان بشیر «بیژن» و دکتور رمضان «بشردوست».

آیا این دو کاندیدی که سنگ و طندوستی و مردم دوستی به سینه می زنند ، آگاه بودند از اینکه «سیا» در میان صحبت ها (بهبتر بگویم تاخت و تاز «بشردوست» و عقب نشینی های «بیژن» ) ، آندو را تلویحاً آستانبوس و نوکر خود انمود کرد؟ در غیر آن تبلیغ و اعلان «سیا» چه مفهومی می توانست داشته باشد؟ اگر شمه ای غرور ملی نزد کاندیدهای خیمه شب

بازی «انتخاباتی» باقی مانده باشد ، باید با درک همین مانور رسوای قلدران ، دست از چنین بازی ننگین که توجیه اشغال کشور و تأیید سلطه بیگانگان است، بردارند.

شاید آقای بشیر «بیژن» و آقای رمضان «بشردوست» در شرایط موجود کشور - و در حالی که حیوانات دوپائی به نام «انسان» - در بسا موارد زمام امور را به دست دارند ، از صفات نیک و سجایای خوبی برخوردار باشند که حتماً هستند ولی زمانی که آقای «بیژن» به دشمن سرسخت تمامیت ارضی افغانستان و حاکمیت ملی و پیشرفت مردم ما یعنی پاکستان عشوه می فروشد و آقای «بشردوست» وطن فروشان جنایتکار "خلقی" و پرچمی و دیگر جنایتکاران را «نورچشم» خود می گوید ، دیگر چه اعتباری ایندو «مدافع مردم» و «مبارز سابقه دار» نزد مردم می توانند داشته باشند و از آن «خوشبینی» ی که ایشان بدان مغروراند و بریکدیگر فخر می فروشند ، دیگر چه باقی مانده است؟

برنامه اختصاصی ایندو کاندید ریاست جمهوری ، از آغاز به یک پارچه تمثیلی شباهت داشت. گرداننده برنامه آقای «فیاض» هر چند دقیقه در میان از نرسیدن به وقت آقای «بشردوست» یادآور می شد و چشم به عقربه ساعت می دوخت و از "ناعلاجی" رشته آزاد سخن را به آقای «بیژن» واگذار می شد. آقای «بیژن» هم که کلمات را (حتماً عادتاً) خیلی وزین ادا می کند ، برای چنان "وقتگزرانی" کاملاً مساعد بود و مشکل آقای «فیاض» را به آسانی حل می نمود. ولی آقای «فیاض» با رسیدن آقای «بشردوست» ، در رابطه با دیر رسیدن وی ، آگاهانه یا ناآگاهانه این دُر را سُفت: " خوب حدود اضافه از نیم ساعت وقت ما ضایع شد" (منظور زمانی که آقای «بیژن» یکه تاز میدان سخن بود) که با نگاه های پرسشگر و لی معصومانه آقای «بیژن» روبرو گردید.

مضحکتر از همه اینکه آقای «فیاض» به شیوه یک معلم سختگیر آقای «بشردوست» را به خاطر دیر رسیدنش مورد نکوهش و سرزنش قرار می داد و وی هم مانند یک «بچه مکتب گریز» کوشش داشت به توجیه بپردازد. در هیچ جای دنیا دیده نشده که یک خبرنگار کاندید ریاست جمهوری (رئیس جمهوری احتمالی آینده) را چنین مورد "توبیخ" قرار دهد. به هر صورت ، مشاجره آقایان «بیژن» و «بشردوست» فقط نمایشی بود برای حقانیت بخشیدن به یک نظام دست نشاندۀ بیگانه که با دِکته سیاست های استعماری خود و متحدین خود ، فقط می خواهد نسلی از مقلدین نظام «دموکراسی» خودش را به نام منتخبین آزاد مردم روی صحنه آورده و به وسیله آنها به مشاطه گری سلطه عریان استعماری چپاول و گشتار در سرزمین ما بپردازد. ولی زنگ خطر نو برای شصیت های واقعاً وطنپرست اینست که تا دیروز ، سی. آی. ای. با پیشکش لک ها دالردستمزد برای افغانان تبعه آمریکا ، شغل ترجمانی (جاسوسی و غلامی حلقه به گوش) را از طریق تلویزیون های افغانها پیشنهاد می کرد ولی حال... در فضای «انتخابات» (انتصابات) ، خود پاپیش مانده و از اجبران خود حق می خواهد! امید هموطنان با احساس در برابر دیده درائی های استعمار که همه آنرا مرهون ایادی بومی خود است ، آرام ننشسته و به افشاگری بپردازند.

**هموطن! روزتاروز وطن درکام ازدهای استعمار فرو می رود. وقت آنست که دین مادروطن را به جا نموده فریاد درگلو خفه شده ات را هرچه رساتر به گوش همزنجیرانت برسانی!**

بادرود فراوان!

